# ده روزی که شهرهای یونان را تکان داده است!

نادر ثانی جمعه ششم دی ۱۳۸۷

---

## به یاد آلکسی گری‌گوروپولوس

ده روز از آغاز شورش بخش بزرگی از فعالین سیاسی و اجتماعی، به ویژه نوجوانان، جوانان و دانشجویان، در یونان می‌گذرد. ده روزی که بخش‌بخش این کشور را تکان داده، ده روزی است که این سرای اندیشه و تمدن را به جایگاه طغیان خشم انقلابی فرزندان کارگران و زحمتکشان تبدیل کرده است. ده روزی است که در خلال آن شعله‌های آتشی که قهر انقلابی شورشیان در هر کوی و برزن به پا کرده، روشنگر شب حاکم شده است. ده روزی است که در گوشه و کنار این کشور دستها بالا رفته و سنگها را به سوی پاسداران شب پرتاب می‌کنند.

ده روز است که رسانه‌های جمعی پیرامون ما، رسانه‌هایی که بدون شک در اختیار سرمایه جهانی، سرمایه‌داران و نوکران و کارگزاران رنگارنگ آنان قرار دارند، تمامی تلاش خود را به کار می‌برند تا ما هر چه کمتر در مورد این شورش، ابعاد آن و دلایل راستین به وجود آمدن، پایداری و گسترش آن بخوانیم و بدانیم. این امر بدون شک در این رابطه است که آنان از سویی می‌خواهند که سدی مستحکم در راه رسیدن اخبار مبارزات حق‌طلبانه فرزندان کارگران و ستمکشان یونان به نیروهای انقلابی و مترقی جهان ایجاد کرده و از سویی دیگر خواهان آن هستند که به اینگونه جلوی نفوذ احتمالی آتش این شورش را به نقاط دیگر جهان بگیرند. آنان می‌دانند که از آنرو که دلایل شعله‌ور شدن این آتش در دیگر گوشه‌های جهان نیز موجود است، این آتش به راحتی می‌تواند در دیگر نقاط جهان نیز راه یافته و بر پا شود. درست از این‌روست که در مورد این شورش کمتر می‌خوانیم و آنچه "می‌دانیم" از غربال‌های رسانه‌ها و اربابان آنان گذشته و از اطلاعات درست و واقعی تهی شده است. بار دیگر شورش خرابکاری نام گرفته و فرزندان کارگران و ستمکشان آنچنان توصیف می‌شوند که گویا جمعی از اوباش می‌باشند.

شورش یونان با کشته شدن نوجوان ۱۵ ساله‌ای به نام "آلکسی گری‌گوروپولوس" در اثر اصابت گلوله یک پلیس در آتن شدت گرفت اما بدون شک ریشه در شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یونان و جهان سرمایه‌داری دارد. پیکر بی‌جان آلکسی روز شنبه ٦ دسامبر ۲۰۰۸ پس از اصابت گلوله به او در یکی از خیابانهای آتن بر زمین افتاد اما از آن پس نه تنها شعله‌های خشم در بیش از ۱۰۰ شهر یونان زبانه کشیده است، که دلیلی برای برقراری اعتصابی گسترده و تظاهراتی با شرکت بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر شده است.

اعتراضات این روزهای یونان پس از شورشهای دانشجویی این کشور در سال ۱۹۷۳، در دوران دیکتاتوری نظامی یونان، شورشهایی که در خلال آنها ٤٤ نفر در اثر اصابت گلوله‌های پلیس از پای درآمدند، بی‌سابقه بوده است. این شورشها تنها نمادی بر اعتراضاتی خودجوش نبوده و ریشه در شرایطی که در این روزها در اثر بحران گسترده سرمایه‌داری در یونان به وجود آمده و تصمیمات ضدمردمی که دولت دست‌راستی "کوستاس کاران‌مالیس" اتخاذ

نموده و بدینگونه شرایط زندگی را برای توده‌های محروم دوچندان سخت‌تر کرده است، دارد.
این تصمیمات به گونه‌ای بازار کار یونان را تحت تاثیر قرار خواهد داد که به گفته شورای عالی کنفدراسیون کارگری یونان در خلال دو هفته آینده ۱۰۰۰۰۰ نفر (و یا به عبارت دیگر ۵ درصد از نیروی کار یونان) به خیل بیکاران این کشور افزوده خواهد شد. شدت‌گیری فقر و رشد اختلاف طبقاتی در خلال سالهای اخیر به گونه‌ای بوده است که به موجب آخرین آمار رسمی ۲۰ درصد از یونانیان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و همزمان تعداد میلیاردرهای دلاری یونان بیش از همیشه است!
ده روز پیش زمانی‌که "آلکسی گری‌گوروپولوس" برای شرکت در اعتراضات توده‌ای از خانه خارج می‌شد، روزی که می‌رفت تا همراه با دیگران فریاد "نه! ما دیگر توان تحمل شرایط موجود را نداریم!" را بر علیه رژیم دست‌راستی و محافظه‌کار کشورش که یکی از وخیم‌ترین شرایط اقتصادی سالهای اخیر را به مردم این کشور تحمیل کرده است، کسی نمی‌توانست تصور کند که او بر خاک و خون کشیده شده و بر قطرات به زمین ریخته خون او بساط شورشی عظیم بنا خواهد شد. "آلکسی گری‌گوروپولوس" از خانه بیرون رفت تا ساعاتی از خانه بیرون بوده و سپس به خانه بازگردد، اما گلوله پلیس سینه او را دریده و خونش را بر زمین ریخت.
ماجرای کشته شدن آلکسی اینگونه بود: غروب روز شنبه ۶ دسامبر گروهی نوجوان که در کافه‌ای نشسته بودند با دیدن ماشین پلیسی که از جلوی کافه می‌گذشت فریاد کشیده، شعار سر در داده و دو شیشه نیم‌لیتری آب را به طرف ماشین پلیس پرتاب کردند. ماشین پلیس پس از طی چند متر توقف کرده و دو پلیس از آن خارج شده و به طرف نوجوانان به راه افتادند. زمانی که پلیسها به نزدیکی نوجوانان می‌رسند یکی از آنان اسلحه کمری خود را کشیده و چند تیر به طرف آنان شلیک می‌کند که در اثر اصابت یکی از تیرها آلکسی از پای می‌افتی. جالب اینجاست که پس از به خاک افتادن آلکسی، دو پلیس راه خود را کج کرده و از محل حادثه دور می‌شوند!
در اینجا عکس‌العمل پلیس در مقابل نوجوانان و کشته شدن آلکسی باعث شعله‌ور شدن أتش خشم توده‌هایی که مدتها بود از شدت فشار اجتماعی در عذاب بودند گریده و اعتراضات آغاز شدند. در دو روز اول تاکتیک پلیس بزن و بگیر و ببند بود. اما این تاکتیک نه تنها توده‌ها را به عقب نراند، که باعث به وجود آمدن اعتراضاتی تازه‌تر و گسترده‌تر گردید. بسیاری از محرومان یونان امکانی یافتند تا در کنار اعتراض به قهر بی‌سبب پلیس و قتل آلکسی، نسبت به بیکاری روزافزون، بالا رفتن بی‌حد و حساب قیمتها، فقر شدید تحمیلی در سالهای اخیر، فساد روزافزون اداری و رشد رشوه‌خواری، خصوصی‌سازی‌ها، کم‌ارزش سازی سیستم بیمه‌های اجتماعی و بالا بردن سن بازنشستگی اعتراض کنند.
دو دانشگاه بزرگ یونان (دانشگاه‌های تکنیک و اقتصاد در آتن) به اشغال شورشیان درآمده و معترضین خواهان برکناری دولت حاکم، باز شدن درهای زندانها و خلع سلاح پلیس شدند. دانشجویان و جوانان یونانی بار دیگر به حرکت درآمده‌اند و یادآور حرکتی که در ۳۵ سال پیش به سرنگونی حکومت نظامیان گردید هستند.
روز به خاکسپاری "آلکسی" موج حرکت معترضین در خیابانها به راه افتاده بود و به نیروهای پلیس دستور داده شده بود که در مقابل شورشیان هاضر نشده و تا سر حد امکان از محل‌های اجتماعات توده‌ها به دور باشند.
یکی از جوانان شورشی که چهره خود را با نقابی پوشانده، در دستی سنگ و در دست دیگر اطلاعیه دارد می‌گوید:

"هر روز افراد بسیاری در سوانحی که در محل‌های کار در آتن رخ می‌دهند جان خود را از دست می‌دهند و این از آنروست که ما تحت فشار دولت حاکم و پایتخت سرمایه‌داری خود هستیم." جوان دیگری می‌گوید: "دولت یونان را به ویرانه‌ای مبدل کرده است. برای ما جوانان آینده‌ای به جا نمانده و ما دیگر نمی‌توانیم نمایی از آینده‌ای که را در خلال آن بتوانیم آرزوهایمان را عملی کنیم ببینیم."

در خلال روزهای اخیر نیروهای پلیس از طرفی صدها جوان را دستگیر کرده و از طرف دیگر تا آن حد از گاز اشک‌آور بر علیه شورشیان استفاده کرده‌اند که اعلام کرده‌اند ذخیره‌های گاز اشک‌آور در کشور در حال تمام شدن بوده و از اینرو خواهان وارد کردن مخازن تازه‌ای گاز اشک‌آور می‌باشند!

دولت یونان که با در دست داشتن ۱۵۱ کرسی از ۳۰۰ کرسی پارلمانی از اکثریت بسیار ضعیفی در مجلس این کشور برخوردار است از تمامی امکانات خود استفاده می‌کند تا کشته شدن آلکسی را حادثه‌ای مجرد جلوه داده و به اینگونه با قربانی کردن یک یا چند پلیس پایه‌های نظام را نجات دهد. توده‌های خشمگین اما فریب این نیرنگها را نخورده و با حمله به بانکها، مراکز تجاری، ماشین‌سراها، فروشگاه‌های لوکس، هتل‌های مجلل و نمایندگیهای شرکتهای آمریکایی نه تنها صدها میلیون دلار خسارت به سرمایه‌داری جهانی وارد آورده و پایه‌های دولت یونان را به لرزه درآورده‌اند، که نشان داده‌اند دشمنان طبقاتی خود را به خوبی می‌شناسند.

همزمان رسانه‌ها و بنگاه‌های خبری در برابر جنبش قهرآمیز انقلابیون یونان یا سکوت اختیار کرده و یا اخباری جعلی و یا دست و پا شکسته به خورد توده‌های جهانی می‌دهند. باید با استفاده از تمامی امکانات موجود این امکان را از آنان سلب کنیم.

نادر ثانی

سه‌شنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۸۷، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۸

http://www.nadersani.net

nader.sani@gmail.com